

حضور در صحنه سیاسی تاثیر گذار تر از کناره گیری است!

انتشار نامه سرگشاده و افشاگرانه آیت‌الله سید جلال‌الدین طاهری، امام جمعه اصفهان و عضو مجلس خبرگان رهبری، بی شک یکی از اسناد ماندگار در جنبش اجتماعی کنونی مردم ایران برای تحول و اصلاحات است. مفاد و مضمون این نامه همان بود که مردم کوچه و بازار، اکنون دهسال است آن را تکرار می‌کنند و به همین دلیل نیز این سخن بسیار زود بر دل‌ها نشست و همانگونه واکنش مردمی و مثبت داشت که واکنش‌های ناشیانه و شتابزده مخالفان اصلاحات و عوامل و کارگزاران مافیای اقتصادی-حکومتی را به همراه داشت.

این نامه، همچنین نشان داد که ابعاد بحران اجتماعی-اقتصادی و فراهم آمدن تمامی شرایط لازم برای دخالت مستقیم و غیر مستقیم امریکا و اسرائیل در امور داخلی ایران چنان سرعت یافته و توطئه‌ها چنان بی‌وقفه و یکی بعد از دیگری علیه طرفداران اصلاحات و طرفداران نجات انقلاب ۵۷ از سقوط قطعی به اجرا گذاشته می‌شود که درنگ و تردید برای مقابله با این روند نه جایز سیاسی و نه جایز مذهبی است.

نامه هشدار باش آیت‌الله طاهری که در حقیقت از موضع ضرورت اصلاحات، ضرورت دفاع از آرمان‌های انقلاب ۵۷ و ضرورت بازنگری در نحوه عملکرد دستگاه رهبری جمهوری اسلامی است، از آنجا که به قلم یک روحانی شناخته شده و دارای سوابق مذهبی و سیاسی انکار ناپذیر و عضو مجلس خبرگان رهبری است باید اعتراض به عملکرد رهبر جمهوری اسلامی و فراخوانی خطاب به دیگر روحانیونی دانست که با وجود آگاهی از وضع بحرانی موجود و مخالفت با روحانیون حاضر در صفوف مافیای اقتصادی-حکومتی آن تحرک لازم را برای ورود به صحنه سیاسی کشور از خود نشان نمی‌دهند و میدان را برای انواع توطئه‌های روحانیون انگلیسی، روحانیون وابسته به انجمن حجتیه و روحانیون همسنگر با مافیای تجارت خالی گذاشته‌اند. پیرامون این نامه و موضع‌گیری، آنجا که به مسائل دینی و مذهبی و شرایط لازم برای اقامه نماز جمعه باز می‌گردد، امری است که ورود به آن نه در صلاحیت ماست و نه مورد بحث مردم، اما آنجا که نماز جمعه تریبونی است دینی که پس از پیروزی انقلاب ۵۷ با خطبه‌های سیاسی به تریبونی حکومتی تبدیل شد، بحث پیرامون آن در صلاحیت همه مردم ایران است.

تعیین امام جمعه‌ها و سخنرانان پیش خطبه‌های نماز جمعه‌ها و جهت‌گیری سیاسی آنها پیوسته متأثر از سمت‌گیری حکومت و توازن نیروها در حاکمیت بوده‌است. با ترور سازمان یافته همفکران و هم‌اندیشان آیت‌الله طاهری در دهه ۶۰ این تریبون در دهه دوم جمهوری اسلامی در اختیار کسانی قرار گرفت که بیگانگی آنها با مردم، خواست جامعه و آرمان‌های انقلاب ۵۷ کتمان ناپذیر است. همانگونه که با حذف سخنرانان پیش خطبه‌های سیاسی-حکومتی طرفدار آرمان‌های انقلاب ۵۷، چهره‌های جایگزین آنان با مردم، خواست آنها و آرمان‌های انقلاب بیگانه بوده و هستند و این زمینه فراهم نشد مگر به ابتکار کسانی که سکان جمهوری اسلامی را در دهه دوم جمهوری اسلامی در اختیار گرفتند و مافیای قدرت و ثروت را بوجود آوردند. تاریخ زیر این بار نخواهد رفت که تمامی آن توطئه‌ها را به حساب سازمان مجاهدین خلق بنویسد و دست مافیای حاکم کنونی را در آن توطئه نبیند. آنها که امروز از کناره گیری آیت‌الله طاهری از نماز جمعه اصفهان ابراز خرسندی می‌کنند همان‌ها هستند که دستشان در ترور امثال آیت‌الله مدنی، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله دستغیب آلوده‌است؛ چنانکه دستشان به ترور امثال حجاریان آلوده‌است.

بنابراین، نامه آیت‌الله طاهری حاوی دو جنبه و دو زمینه‌است: یک جنبه و زمینه مذهبی-دینی و یک جنبه و زمینه سیاسی-حکومتی. تاثیر استغفای ایشان از امامت نماز جمعه اصفهان در این تقسیم بندی می‌گنجد و در باره آن باید سخن سیاسی و نه مذهبی گفت، چرا که جنبه مذهبی این استغفاء خود به خود در حوزه‌های دینی مطرح خواهد بود. بحث بر سر غیبت از صحنه سیاسی کشور است که نمی‌توان با آن موافق بود.

جنبش کنونی اصلاحات، جنبشی در حال رکود نیست که ضرورت داشته باشد با ضربه مذهبی و سیاسی آن را از رخوت بیرون آورد. جنبش فعال است و به آنچه نیازمند است حرکت با آن و تقویت عملی با حضور در آن و پذیرش نقش رهبری آن بخش‌هایی از جنبش است که به این حضور نیازمنداست. بر مبنای این ضرورت، نمی‌توان با استغفای آیت‌الله طاهری و کناره گیری ایشان از صحنه سیاسی موافق بود و شواهد و قرائن موجود و نقطه نظرات شناخته شده روحانیون هم‌اندیش ایشان نیز حاکی از تقویت این حضور سیاسی در جهت تقویت نهادهای مذهبی طرفدار اصلاحات است.

مشی و روش حزب توده ایران پیوسته در جهت تائید حضور موثر و پرتحرک در صحنه مبارزه و سیاست بوده و این اصلی از اصول مبارزه اجتماعی است که تنها شامل حال توده‌ای‌ها نمی‌شود، بلکه بعنوان یک اصل عام همه مبارزان و طرفداران یک جنبش اجتماعی را در بر می‌گیرد.

ارتجاع، در هر حاکمیتی اشغال کننده سنگرهای خالی است و هر سنگری را که اشغال می‌کند، سکوت و فراموشی را به خالی کنندگان آن سنگر تحمیل می‌کند. با آگاهی از همین شگرد کهنه و قدیمی (به قدمت تاریخ مبارزه بشریت برای تحول و بهروزی) است که به احزاب مترقی، به شخصت‌های مبارز، در هر عصر و زمانی یورش برده و می‌برند، مانع فعالیت آنها می‌شوند، آنها را به میدان تیرباران می‌فرستند تا ابتدا از صحنه دورشان کنند، ارتباط آنها را با مردم قطع و سپس به زیر چتر فراموشی ببرند.

بر مبنای همین شگرد است که طی ۶ سال گذشته پیوسته ارتجاع حاکم کوشیده‌است محمدخاتمی را وادار به استغفا و کناره گیری کند، همچنان که تمام طرفداران اصلاحات بر حضور هرچه موثرتر وی در صحنه سیاسی-اصلاحی ایران پای فشرده‌اند.

ما نه تنها ترجیح می‌دادیم که نامه آیت‌الله طاهری بجای استعفا از امامت نماز جمعه، بصورت یک اطلاعیه و فراخوان عام منتشر می‌شد، بلکه معتقدیم این نامه اکنون هم می‌تواند مبنای یک چنین اطلاعیه و فراخوانی قرار گیرد و به یاری ضرورت سازماندهی جنبش بشتابد.

شورای سردبیری و سیاستگذاری راه‌توده

بیستم تیرماه ۱۳۸۱